

یاسر محمدی* - دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه تهران
مهدی رحیمیان - دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه تهران
حمید موحد محمدی - استادیار دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران
عبدالحسن طرفی - دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان
پذیرش مقاله: ۱۳۸۵/۱۱/۱۶ تایید نهایی: ۱۳۸۷/۹/۶

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی چالش‌های پدیده حاشیه‌نشینی در شهرستان کوهدشت در استان لرستان است که به این منظور از روش تحقیق پیمایشی برای انجام پژوهش استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۵۶۰ خانوار حاشیه‌نشین شهرستان کوهدشت می‌باشد که تعداد ۸۵ خانوار به عنوان جامعه نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌است. همچنین پایایی مقیاس اصلی ابزار پرسشنامه استفاده شده برای انجام پژوهش از طریق آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۲ به تأیید رسید و روایی پرسشنامه نیز با توجه به نظر اساتید و متخصصین مربوط مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها که به کمک نرم‌افزار WINSPSS11.5 انجام شد، حاکی از آن است که حاشیه‌نشینان از وضعیت مالی خوبی برخوردار نیستند و بار تکفل زیادی را به دوش می‌کشند. اولویت‌بندی چالش‌های حاشیه‌نشینی نیز نشان می‌دهد که عدم برخورداری از سیستم فاضلاب مناسب و مشکل مالی و درآمد کم از مهم‌ترین چالش‌های حاشیه‌نشینان به شمار می‌روند. در نهایت طبق نتایج تحلیل عاملی، چالش‌های حاشیه‌نشینان به ترتیب اهمیت در قالب پنج دسته چالش‌های اجتماعی-فرهنگی، چالش‌های زیستی، چالش‌های اقتصادی، چالش‌های آموزشی-بهداشتی و چالش‌های رفاهی طبقه‌بندی شده‌اند که چالش‌های اجتماعی-فرهنگی به عنوان مهم‌ترین چالش حاشیه‌نشینان قابل شناسایی است.

واژه‌های کلیدی: حاشیه‌نشینی، چالش‌های حاشیه‌نشینان، چالش‌های فرهنگی-اجتماعی، شهرستان کوهدشت، استان لرستان

مقدمه

بنا بر اعلام مرکز اسکان بشر ملل متحد در سال ۱۹۹۶ حدود ۲۵ درصد جمعیت جهان فاقد خانه‌ای در شأن زندگی انسانی بوده‌اند که در برگیرنده‌ی دامنه‌ی گسترده‌ای از بی‌سرنه‌ها و خیابان‌خواب‌ها تا آلونک‌نشینان بوده و این نسبت برای کشورهای جنوب در حال افزایش است. در بسیاری از شهرهای رو به رشد سریع در کشورهای در حال توسعه، بخشی از جمعیت هستند که نه در ساختمان‌های آپارتمانی مدرن زندگی می‌کنند و نه در خانه‌های مناسب بلکه در یک محیط کاملاً مغایر با شئون انسانی زندگی می‌کنند که بدون برنامه‌ریزی و در

شکل سکونت گاه‌های غیرقانونی، فاقد خدمات شهری و خانه‌هایی که در شروع چیزی بیش از یک کلبه نیستند (Peattie et al, 1981). بنا بر گزارش سال ۲۰۰۱ مرکز اسکان بشر ملل متحد حدود بیست درصد جمعیت شهری جهان در فقر مطلق بسر می‌برند و امروزه در آسیا تعداد فقرای شهری بیش از میزان آن در نیمه دوم دهه ۹۰ میلادی می‌باشد. همچنین کمیسیون جهانی آینده شهرها در قرن ۲۱، هشدار داده که به موازات رشد ابرشهرها فقر شهری در کشورهای جنوب در حال افزایش است و بخش عمده‌ای از رشد شهرنشینی بر پایه‌ی اقتصاد غیررسمی و همراه با گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی صورت خواهد گرفت و این گرایش را «رسمی شدن شهرنشینی» نامیده است. از این رو می‌بینیم که حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، مسأله‌ای گذرا و با ابعاد محدود نبوده و توافقی بر بقای باز تولید و بسط آن وجود دارد که حاکی از عدم کفایت راه‌حل‌ها و سیاست‌های متداول شهری است و رهیافت‌ها و اقدامات نوینی را می‌طلبد (صرافی، ۱۳۸۳). بر اساس برآوردهای سازمان‌های بین‌المللی فعال در زمینه اسکان بشر، حدود یک میلیارد نفر از جمعیت جهان اکنون در زاغه‌ها و حاشیه‌های شهری یا به صورت اسکان غیررسمی زندگی می‌کنند (هادی‌زاده، ۱۳۸۳). امروزه همه شهرهای جهان به نوعی با پدیده حاشیه‌نشینی مواجه هستند. صد سال پیش «بابار» به زاغه‌هایی (شکل تشدید یافته حاشیه‌نشینی) در انگلستان اشاره و آن‌ها را ناشی از انقلاب صنعتی می‌داند (Mumtaz Babar, 2001). منظور از حاشیه‌نشینان، کسانی هستند که در محدوده شهری زندگی می‌کنند و جذب نظام شهری نشده‌اند (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹) و خود شیوه جدیدی از زندگی را به وجود آورده که نسبت به سه شیوه رایج یعنی شهری، روستایی و عشایری متفاوت بوده و با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود بافت فیزیکی معینی را به وجود می‌آوردند (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۷۰). طبق نظر «هالفاکری»، حاشیه‌نشینان به عنوان نمونه‌ای از «نامتجانس‌ها» شناخته شده‌اند که نسبت به مباحث مربوط به شکل آینده حومه شهرهای انگلیس بی‌صدا هستند و از آن‌ها هیچ نظری خواسته نمی‌شود (Halfacree, 2001). این حاشیه‌نشینان خود دارای چالش‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری هستند و از طرفی محیط شهر اصلی را نیز دچار بسیاری از مشکلات اجتماعی مانند ناامنی اجتماعی می‌کنند. از این رو مطالعه و بررسی این چالش‌ها و ارائه راهکارهایی برای کاهش این چالش‌ها مهم به نظر می‌رسد. در همین راستا و با توجه به اهمیت موضوع حاشیه‌نشینی، در این مطالعه سعی بر آن شد تا به بررسی چالش‌های حاشیه‌نشینی در شهرستان کوه‌دشت پرداخته شود. دلیل اهمیت این موضوع در شهرستان کوه‌دشت به این خاطر است که در اطراف این شهرستان رشد حاشیه‌نشینی با سرعت قابل ملاحظه‌ای رو به گسترش است و خانوارهای بسیاری با توجه به مشکلات اقتصادی و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای به اطراف این شهرستان پناه آورده‌اند. از طرف دیگر ارزان بودن اراضی در اطراف و حاشیه‌های شهرستان، روند گسترش و رشد حاشیه‌نشینی را تشدید کرده است، به طوری که بافت فیزیکی شهر را دچار اشکال کرده و منظره کاملاً نامناسبی از شهرستان بوجود آمده است. سایر ابعاد که لزوم اهمیت بررسی موضوع فوق در این شهرستان را بر می‌انگیزد، چالش‌هایی است که این خانوارها برای خویش و بالاخص برای شهرستان ایجاد کرده‌اند. سیستم نامناسب بهداشتی باعث شیوع بسیاری از بیماری‌ها در درون این خانوارها و سپس

در درون شهرستان کوهدشت می‌شود و در کنار این موارد، عدم اشتغال جوانان این خانوارها باعث شده تا این جوانان به اعتیاد روی آورده و اکثریت آن‌ها به توزیع کنندگان مواد مخدر به افراد شهرستان مبدل شوند. این مشکلات و بسیاری از مشکلات دیگر که با به‌وجود آمدن خانوارهای حاشیه‌نشین در شهرستان کوهدشت ایجاد شده، لزوم بررسی چالش‌های حاشیه‌نشینی در این شهرستان را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. از سوی دیگر، به‌رغم مطالعات مختلفی که در شهرهای مختلف کشور در ارتباط با پدیده حاشیه‌نشینی صورت گرفته، تاکنون هیچ مطالعه‌ای در شهرستان کوهدشت لرستان که از وجود پدیده حاشیه‌نشینی رنج می‌برد انجام نشده‌است. به همین منظور این مطالعه با هدف بررسی چالش‌های حاشیه‌نشینی در شهرستان کوهدشت، به‌دنبال پاسخگویی به سوالات ذیل است:

۱. ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی خانوارهای حاشیه‌نشین شهرستان کوهدشت چیست؟
۲. اولویت بندی چالش‌های حاشیه‌نشینی در این شهرستان چگونه است و چه چالش‌هایی در اولویت بالایی قرار دارند؟
۳. چالش‌های حاشیه‌نشینی در شهرستان کوهدشت را در چند دسته عامل کلی می‌توان قرار داد و مهم‌ترین دسته یا عامل از این مشکلات کدام است؟

مبانی نظری تحقیق

مهم‌ترین نظریه مربوط به پیدایش مناطق حاشیه‌نشین، نظریه نحوه استفاده از اراضی شهری است. در این نظریه شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می‌گیرد، نتیجه رقابت گروه‌های مختلف شهری در جهت احراز موقعیت شهر به شکل رقابتی است. در این صورت، بازندگان این رقابت در بازی با طبقه ثروتمند، نواحی پست ارزان قیمت را جهت سکونت انتخاب می‌کنند و در نتیجه به ظهور پدیده‌هایی نظیر زاغه‌نشینی، حاشیه‌نشینی، حلبی‌آباد و مانند آن دامن می‌زنند (هاروی ۱۹۸۳).

لی و بوگ (۱۹۶۰ و ۱۹۸۱) بر نقش عوامل جاذبه و دافعه در ایجاد مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهرنشین و ایجاد حاشیه‌نشینی تأکید می‌کنند و جی هولزر (۱۹۸۱) و همکاران معتقدند که مهاجرت‌های داخلی به میزان قابل توجهی از فرایند برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و در بعضی موارد الگوهای برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی، باعث تشدید مهاجرت‌ها به مناطق شهری و ایجاد مناطق حاشیه‌نشین می‌شود (قرخلو و شریفی، ۱۳۸۴).

برخی از محققان علت عمده پیدایش مناطق حاشیه‌نشین را مهاجرت افرادی دانسته که به علت وضعیت نامناسب اقتصادی در پی یافتن فرصت‌های شغلی و درآمد بیشتر می‌باشند و از این‌رو تحقیق در علل مهاجرت را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. برای مثال، دیجارد بیلزبرو (۱۹۹۶) عوامل سیاسی، اقتصادی اجتماعی، و فرهنگی و روان‌شناختی را در مهاجرت مؤثر می‌داند.

با توجه به جهانی‌شدن معضل حاشیه‌نشینی و پیامدهای مربوط به آن در شهرها، و نیز وجود مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ناشی از همین مسأله، مطالعات مختلفی در این زمینه و در نقاط مختلف انجام شده و چالش‌های حاشیه‌نشینی را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند که سعی می‌شود به صورت خلاصه، بعضی از این مطالعات مورد اشاره قرار گیرند. برای مثال ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «حاشیه‌نشینی؛ ناهنجاری‌های شهری و راه کارهای تعدیل آن در کریم‌آباد زاهدان»، بالا بودن بعد خانوار (۷/۲ نفر)، و به تبع بالا رفتن بار تکفل، بالا بودن نرخ بی‌سوادی و سطح پایین تحصیلات، وجود پیوندها و ارتباطات اجتماعی ضعیف، فقر فرهنگی، وجود مشکلات مالی و وضعیت اقتصادی ضعیف، ایجاد نارضایتی از زندگی در بین اهالی این منطقه، وجود ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی، بالا بودن نرخ بیکاری و کاهش بسیار شدید شاغلین بخش کشاورزی و افزایش مشاغل کاذب نظیر دست‌فروشی، کوپن‌فروشی، دوره‌گردی را از چالش‌های اساسی پدیده حاشیه‌نشینی می‌داند. هم‌چنین اسدالهی و ناطق‌پور (۱۳۸۵) در مطالعه ساختار اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین شهر ایلام، بالا بودن بعد خانوار، بالا بودن میزان مهاجرت، استاندارد نبودن خدمات اولیه شهری، استاندارد نبودن مصالح ساختمانی به کار رفته در مسکن حاشیه‌نشینان، پایین بودن سطح سواد و ثبات تحصیلی، پایین بودن خدمات بهداشتی درمانی را از چالش‌های حاشیه‌نشینی می‌دانند. در همین زمینه، زنگی‌آبادی و همکاران (۱۳۸۴) نیز در مطالعه پدیده حاشیه‌نشینی در شهر اصفهان، با چالش‌هایی از قبیل، بالا بودن نرخ بیکاری، پایین بودن سطح درآمد، بی‌سوادی یا کم‌سوادی و فقدان تخصص فنی و حرفه‌ای، عدم بهره‌مندی از آموزش برای فراگیری مهارت‌های مورد نیاز جامعه روبرو شدند. محمودی (۱۳۸۶) چالش‌های عمده حاشیه‌نشینی در کشور را شامل، تحمیل هزینه‌های پیش‌بینی نشده و سنگین، توسعه آثار منفی زیست محیطی و عقب ماندن از توسعه پایدار، افزایش روند جذب در حاشیه‌های شهری به رغم وجود معضلات انباشته قبلی و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی شهری می‌داند. با توجه به مطالعات نقدی (۱۳۸۲) در همدان نیز، موارد بی‌مسکنی و بدمسکنی، عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، معضل دفع زباله و عدم بازیافت آن، گسترش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، مشکل توزیع عادلانه‌تر امکانات و خدمات شهری مورد نیاز شهروندان، مسئله تأمین کار و درآمد برای همه آحاد شهروندان، انواع نارضایتی‌های جمعی و ظهور پدیده‌وندالیسم و احساس عدم تعلق و بیگانگی با شهر، چالش‌های عمده حاشیه‌نشینی را شامل می‌شدند. این چالش‌ها در مطالعات نقدی و صادقی (۱۳۸۵) نیز به وضوح مشخص است. به‌طور مثال، وجود بافت چند قومیتی، بالا بودن نرخ رشد جمعیت، غیراستاندارد بودن مسکن، مشکلات مالی و کمبود درآمد، بالا بودن نرخ بیکاری، نداشتن شغل دائم سرپرست و وجود مشاغل کاذب، نارضایتی اجتماعی از وضعیت زندگی، عدم رسیدگی شهرداری به مناطق، پایین بودن مشارکت اجتماعی و عدم تعلق روحیه شهروندی، وجود آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، نبود امنیت به ویژه برای دختران و کمبود امکانات رفاهی تفریحی برای فرزندان از چالش‌های اصلی حاشیه‌نشینی در مطالعات نقدی و صادقی بوده است. لوتیز و همکاران (۲۰۰۳) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که حاشیه‌نشینان هم دارای شرایط بهداشتی ضعیفی هستند و هم از لحاظ زیرساخت‌ها فاقد امکانات لازم هستند. بنابراین چنین شرایطی باعث می‌شود که شیر تولیدی از این مناطق دارای خطراتی برای جامعه باشد. هم‌چنین یانگک (۲۰۰۰)، در مطالعه

خویش بیان می‌کند زمانی که نحوه پخش شدن ناعادلانه منابع مادی (مانند غذا و پناهگاه) مورد بررسی قرار می‌گیرد، مهم‌ترین چالش حاشیه‌نشینان به محرومیت مادی آن‌ها مربوط می‌شود و افراد حاشیه‌نشین به همراه منابع مادی، از برنامه‌ها، خدمات و سیاست‌ها نیز محروم هستند.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ میزان و درجه کنترل متغیرها میدانی و از لحاظ نحوه پردازش اطلاعات از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی است و برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق نیز روش مطالعه کتابخانه‌ای، استفاده از منابع الکترونیکی و انجام مطالعات میدانی در منطقه مورد مطالعه به کار گرفته شد.

محدوده مطالعه شده در این تحقیق شهرستان کوه‌دشت از استان لرستان می‌باشد و جامعه آماری این تحقیق را حاشیه‌نشینان شهرستان که بالغ بر ۱۵۶۰ خانوار روستایی هستند، تشکیل می‌دهند. حجم نمونه نیز با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۸۵ نفر برآورد گردید که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی افراد نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه پرسشنامه است که پس از انجام پیش‌آزمون، مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس سنجش چالش‌های حاشیه‌نشینی برابر با ۰/۷۲ به دست آمد که حاکی از پایایی قابل قبولی است. روایی پرسشنامه نیز با توجه به نظر متخصصین مربوط مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه‌های خانوار در دو سطح توصیفی (توزیع فراوانی، درصد، میانگین و اولویت‌بندی) و استنباطی (تحلیل عاملی)، به کمک نرم‌افزار WIN\SPSS 11.5 انجام شد. لازم به ذکر است که برای سنجش چالش‌های حاشیه‌نشینی بعد از مرور منابع و مشورت با کارشناسان و متخصصان و در نظر گرفتن شرایط منطقه‌ای، مقیاسی مرکب از نوزده چالش حاشیه‌نشینی تدوین و توسعه یافت و در اختیار حاشیه‌نشینان قرار گرفت تا دیدگاه خود را درباره این چالش‌ها مورد سنجش قرار دهند.

منطقه مطالعه شده

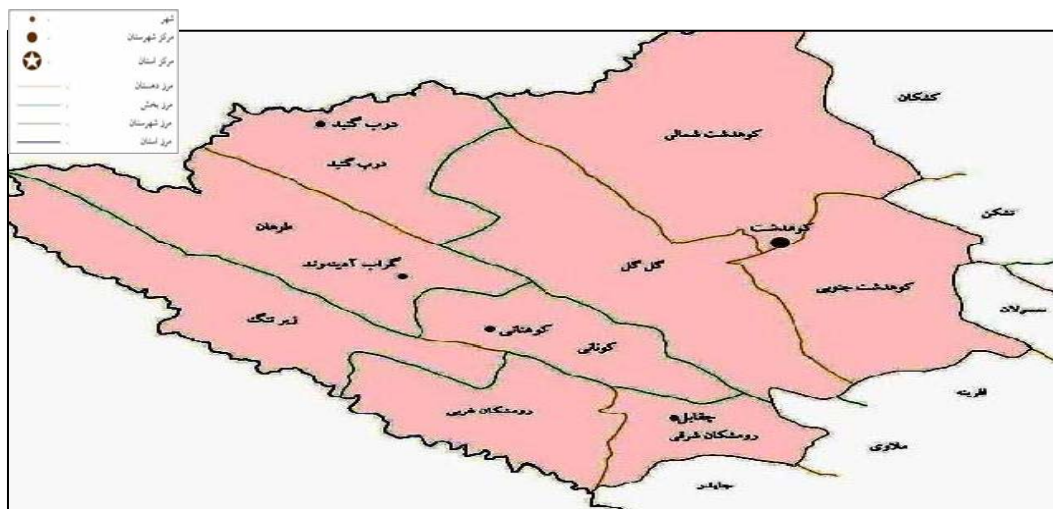
شهرستان کوه‌دشت با وسعتی برابر ۳۹۰۴ کیلومتر مربع و جمعیت ۱۸۸۹۶۴ نفر در غرب استان لرستان واقع شده است (شکل ۱)، اقتصاد آن بیشتر مبتنی بر کشاورزی و دامداری بوده و به همین دلیل از وضعیت اقتصادی نسبتاً خوبی برخوردار است و محصولات کشاورزی و دامپروری آن جزو صادرات شهرستان به شمار می‌آیند. در این تحقیق منظور از حاشیه‌نشینی، افراد و خانوارهایی هستند که در مناطق اطراف شهر کوه‌دشت در سکونتگاه‌هایی غیرمتعارف و نامناسب سکنی گزیدند و به عبارتی دارای سکونت‌گاه‌های غیر رسمی هستند. بیشتر این خانوارها در مناطق تازه‌آباد شرقی، تازه‌آباد غربی، نادى آباد سکونت دارند و بیشتر به دلایل اقتصادی از جمله بیکاری، فقدان زمین کشاورزی، درآمد کم و همچنین دلایل اجتماعی مانند اختلافات قومی و قبیله‌ای و عدم امکانات رفاهی، از روستاهای اطراف شهرستان کوه‌دشت طی دهه ۷۰ شمسی به این نقاط مهاجرت نموده و به دلیل عدم توانایی مالی در تهیه مسکن مناسب در نقاط مناسب شهر، بیشتر جذب مناطق حاشیه‌ای اطراف شهر

گشته‌اند. از جمله وضعیت این سکونت گاه‌ها نسبت به طرح جامع شهر را می توان ارزان بودن زمین، آسفالت نبودن راه ها، سیستم نامناسب فاضلاب و عدم رعایت بهداشت عمومی، نگه داری دام در درون منازل مسکونی، اعتیاد جوانان، بیکاری و اشتغال کاذب و عدم وجود بسیاری از زیرساخت‌ها نام برد.



شکل ۱. نقشه تقسیمات سیاسی استان لرستان

این شهرستان از نظر تاریخی دارای پیشینه کهنی است به طوری که پژوهش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد از سکونت‌گاه‌های اولیه بشری بوده است. در حال حاضر شهرستان کوهدشت دارای ۴ بخش و ۹ دهستان می‌باشد(شکل ۲).



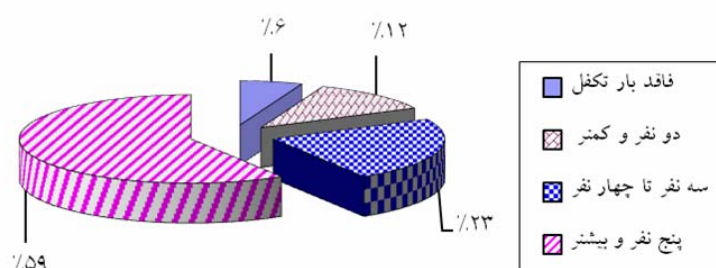
شکل ۲. نقشه تقسیمات سیاسی شهرستان کوهدشت

نتایج و یافته‌ها

- ویژگی های فردی، اجتماعی و اقتصادی

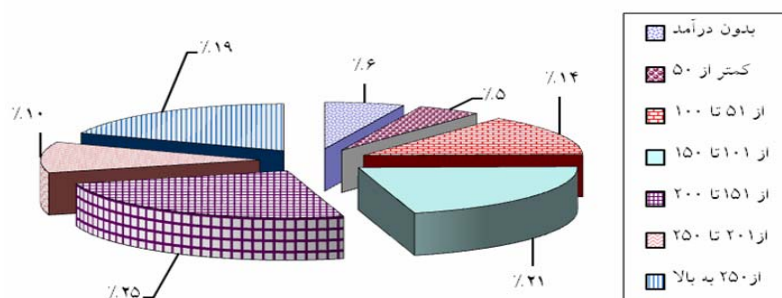
نتایج بررسی ویژگی های فردی و اجتماعی حاشیه‌نشینان نشان می‌دهد که اکثریت حاشیه‌نشینان در رده سنی میان‌سال (۳۱ تا ۶۰ سال) با میانگین سنی ۴۱ سال بودند، و اکثریت آنها (۸۶ درصد) متأهل بودند. هم‌چنین نتایج

حاکی از آن بود که میانگین تعداد پسر و دختر برای خانوار حاشیه‌نشین به ترتیب برابر با ۲ و ۱/۵ نفر بود. اما اکثریت خانوارها (۴۱/۲ درصد) دارای ۳ تا ۴ فرزند پسر و در حدود ۲ فرزند دختر بودند. با توجه به نتایج بررسی، میانگین افراد تحت تکفل هر خانوار برابر با ۵ نفر بود و اکثریت خانوارها (۵۸/۸ درصد) بیش از ۵ نفر را تحت تکفل داشتند (شکل ۳).



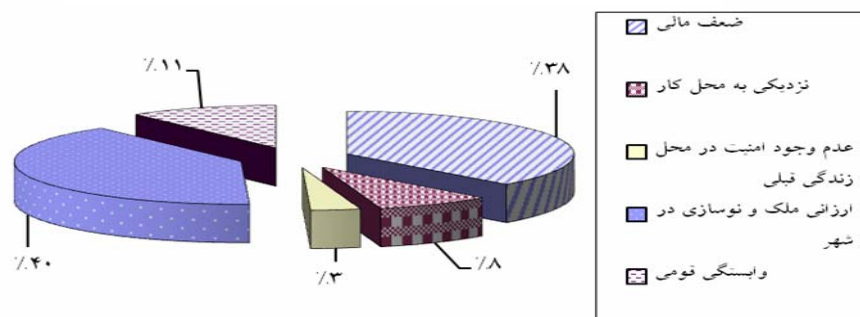
شکل ۳. نمودار تعداد افراد تحت تکفل خانوارهای حاشیه‌نشین در شهرستان کوهدشت

از لحاظ موقعیت تحصیلی نیز اکثریت حاشیه‌نشینان (۳۵/۳ درصد) دارای سواد خواندن و نوشتن هستند اما از نظر موقعیت اشتغال حدود ۴۰ درصد از آنان از معضل بیکاری رنج می‌برند و اکثریت افراد شاغل (۵۵/۱ درصد) نیز به مشاغلی مانند کارگری ساده و دست‌فروشی اشتغال دارند. هم‌چنین نتایج حاکی از این است که درآمد ماهانه بیش از ۷۰ درصد از حاشیه‌نشینان کمتر از دو میلیون ریال است (شکل ۴).



شکل ۴. نمودار سطح‌بندی میزان درآمد خانوارهای حاشیه‌نشین شهرستان کوهدشت

از لحاظ موقعیت مسکن هم بیش از ۵۰ درصد از حاشیه‌نشینان در منزل پدری یا به صورت استیجاری زندگی می‌کردند و اکثریت آنها (۵۸/۸ درصد) از نقطه‌ای از همان شهر به منطقه حاشیه‌نشین مهاجرت کرده بودند. سایر نتایج حاکی از آن بود که اکثریت حاشیه‌نشینان (۳۷/۶ درصد) به خاطر ضعف مالی حاضر به ترک منطقه قبلی خود شده (شکل ۵) و اوقات فراغت اکثریت این حاشیه‌نشینان نیز صرف تماشای تلویزیون می‌شد.



شکل ۵. نمودار میزان تأثیر هر یک از عوامل مؤثر در ترک محل زندگی قبلی نزد حاشیه‌نشینان کوه‌دشت

- اولویت بندی چالش‌های حاشیه‌نشینی

به منظور آگاهی از اولویت چالش‌های حاشیه‌نشینی از دیدگاه خانوار حاشیه‌نشین، تعداد نوزده سوال به پاسخ‌گویان ارائه شد. این سؤالات در یک طیف لیکرت قرار داشت که بر روی این طیف ۶ گزینه اصلاً، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد قرار گرفته بود و از پاسخ‌گویان خواسته شد تا به هر چالش (سوال) بر اساس شدت چالش بودن، یک عدد از صفر تا پنج (اصلاً ۰)، کم (۱)، خیلی کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴)، خیلی زیاد (۵)) دهند. اولویت بندی با توجه به میانگین رتبه‌ای بدست آمده از آزمون فریدمن صورت گرفت که نتایج حاصل در جدول ۱ قابل مشاهده است. بدیهی است چالشی که از اهمیت بالایی در نزد پاسخ‌گویان برخوردار باشد، از میانگین رتبه‌ای بالاتری نیز برخوردار خواهد بود.

همان‌طور که نتایج حاصل از اولویت‌بندی چالش‌های حاشیه‌نشینان در جدول ۱ نشان می‌دهد، عدم وجود یا نامناسب بودن سیستم فاضلاب، عدم رسیدگی شهرداری‌ها به این مناطق، مشکل مالی و کمبود درآمد، انحرافات اجتماعی مانند اعتماد برای فرزندان و معضل بیکاری و نداشتن شغل دائم، پنج اولویت اول چالش‌های حاشیه‌نشینی را تشکیل دادند. با نگاهی به این اولویت‌ها می‌توان به سادگی متوجه شد که حاشیه‌نشینان با معضلات بسیار اساسی روبرو هستند. به‌طور مثال، کمبود درآمد حاشیه‌نشینان باعث شده تا آن‌ها خود نتوانند سیستم بهداشتی و فاضلاب و محیط زندگی خود را در حد مطلوب نگه دارند و از طرفی عدم رسیدگی شهرداری‌ها به این مناطق باعث شده تا محیط زندگی حاشیه‌نشینان در بدترین وضع ممکن از لحاظ بهداشتی باشد. از سوی دیگر عدم وجود اشتغال برای جوانان حاشیه‌نشین باعث پیدایش زمینه‌های مختلف انحرافات مانند اعتماد برای آن‌ها شده که این انحرافات زمینه را برای ناامنی در منطقه نیز فراهم کرده است. به‌طور کلی مناطق حاشیه‌نشین هم از لحاظ روحی و روانی و هم از لحاظ جسمی آسیب دیده هستند و باید مورد توجه بیشتری قرار گیرند.

جدول ۱ اولویت بندی چالش‌های حاشیه‌نشینی از دیدگاه پاسخ‌گویان مورد مطالعه

اولویت	میانگین رتبه‌ای	چالش‌های حاشیه‌نشینی
۱	۱۳/۸۳	عدم وجود یا نامناسب بودن سیستم فاضلاب
۲	۱۳/۴۶	عدم رسیدگی شهرداری‌ها به این مناطق
۳	۱۳/۴۴	مشکل مالی و کمبود درآمد
۴	۱۳/۰۴	انحرافات اجتماعی مانند اعتیاد برای فرزندان
۵	۱۲/۶۶	بیکاری و نداشتن شغل دائم
۶	۱۲/۲۲	عدم امنیت اجتماعی برای خود و فرزندان
۷	۱۱/۹۴	پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی
۸	۱۱/۸۳	کمبود امکانات رفاهی، تفریحی برای فرزندان
۹	۱۱/۰۰	سیمای نامطلوب و وضعیت بد مسکن
۱۰	۱۰/۶۲	وجود بیماری‌های واگیردار
۱۱	۱۰/۲۸	نارضایتی حاشیه‌نشینان از محل زندگیشان
۱۲	۹/۶۸	پایین بودن سطح سواد و تحصیلات در مناطق حاشیه‌نشین
۱۳	۹/۱	وجود خرده فرهنگ‌های خاص مناطق حاشیه‌نشین
۱۴	۸/۵۹	وجود جمعیت زیاد در مناطق حاشیه‌نشین
۱۵	۷/۲۸	نارسایی عرضه خدمات درمانی از طرف مسئولین
۱۶	۶/۹۱	فقدان آسایش لازم در خانوار حاشیه‌نشین
۱۷	۵/۵۸	پایین بودن مشارکت اجتماعی و سیاسی
۱۸	۴/۹۱	نداشتن آب لوله کشی
۱۹	۳/۶۳	فقدان امکانات آموزشی در این مناطق

مقیاس: اصلاً (۰)، کم (۱)، خیلی کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴)، خیلی زیاد (۵)

- تحلیل عاملی چالش‌های حاشیه‌نشینی در منطقه کوه‌دشت

به منظور تخلیص چالش‌های حاشیه‌نشینی در درون چند عامل یا چالش کلی به عنوان چالش‌های بنیادی حاشیه‌نشینی در منطقه کوه‌دشت، متغیرهای مورد نظر وارد تحلیل عاملی شدند. میزان مناسب بودن داده‌ها با توجه به آماره KMO^۱ (در صورتی که مقدار آن بزرگتر از ۰/۷ باشد همبستگی‌های موجود بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهند بود) و آزمون بارتلت^۲ (در صورت معنی دار بودن یعنی رد فرض صفر، نتیجه‌گیری بر این است که ماتریس همبستگی‌های مشاهده شده، متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای همبسته است و در صورتی که فرض صفر رد نشود کاربرد تحلیل عاملی زیر سوال خواهد رفت چون متغیرها با هم همبستگی لازم را ندارند) در جدول (۲)، آمده است که حاکی از مناسب بودن متغیرها بود.

1. Kaiser-Meyer-Olkin
2. Bartlett Test

جدول ۲ مقدار KMO و آزمون بارتلت

Sig	Bartlet Test	KMO	تحلیل عاملی
۰/۰۰۰	۲۱۲۱/۷۴۶	۰/۷۱	چالش‌های حاشیه‌نشینی در منطقه کوهدشت

جدول ۳ عوامل استخراج شده با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی آن‌ها

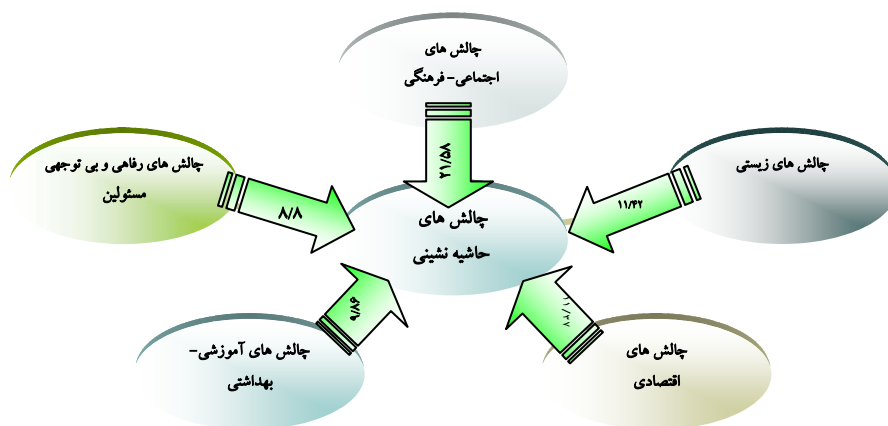
عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
۱	۳/۴۵	۲۱/۵۸	۲۱/۵۸
۲	۱/۸۳	۱۱/۴۲	۳۳/۰۰
۳	۱/۸۲	۱۱/۳۷	۴۴/۳۷
۴	۱/۵۸	۹/۸۶	۵۴/۲۳
۵	۱/۴۱	۸/۸	۶۳/۰۳

همان‌طور که اطلاعات مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد، چالش‌های حاشیه‌نشینی در منطقه کوهدشت در پنج عامل اصلی دسته‌بندی شدند که این پنج عامل در کل ۶۳/۰۳ درصد از واریانس کل را تبیین نمودند. عامل اول (چالش‌های اجتماعی- فرهنگی)، با مقدار ویژه ۳/۴۵، بیش از ۲۱ درصد از واریانس کل را به تنهایی تبیین می‌کند که حاکی از اهمیت بالای این عامل است. سایر عوامل نیز به ترتیب، ۱۱/۴۲، ۱۱/۳۷، ۹/۸۶ و ۸/۸ درصد از واریانس کل را پوشش می‌دهند. در مجموع بر اساس نتایج حاضر، چالش‌های اجتماعی- فرهنگی به عنوان مهم‌ترین چالش حاشیه‌نشینی در منطقه کوهدشت محسوب می‌شوند. در جدول ۴ عامل‌های نامگذاری شده به همراه متغیرها و بار عاملی مربوط به هر کدام از آن‌ها آورده شده است.

بر اساس اطلاعات جدول ۴، چالش اجتماعی- فرهنگی، به عنوان مهم‌ترین چالش رودرروی حاشیه‌نشینان قابل طرح است. بعد از آن، چالش زیستی از اهمیت بیشتر برخوردار است و بیانگر عدم رضایت جامعه مطالعه شده از وضعیت بد زیستی خود می‌باشد. اما چالش اقتصادی نیز از چالش‌های مهم دیگری است که حاشیه‌نشینان با آن مواجه هستند به طوری که فقدان مشاغل مناسب و عدم درآمد کافی از جمله مواردی است که حاشیه‌نشینان از آن رنج می‌برند. چالش‌های آموزشی- بهداشتی و کمبود امکانات رفاهی و عدم توجه مسئولین به مناطق حاشیه‌نشین نیز در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار دارند. به‌طور خلاصه می‌توان چالش‌های حاشیه‌نشینی و میزان اهمیت هر کدام از آن‌ها را در قالب شکل ۶ مشاهده نمود تا اهمیت هر یک از این چالش‌ها بیش از پیش نمایان شود.

جدول ۴ تعیین چالش‌های عمده حاشیه‌نشینی، گویه‌ها و بار عاملی مربوطه

بار عاملی	متغیرها	نام عامل
۰/۸۰	انحرافات اجتماعی مانند اعتیاد برای فرزندان	چالش اجتماعی- فرهنگی
۰/۶۸	وجود خرده فرهنگ‌های خاص مناطق حاشیه‌نشین	
۰/۵۱	عدم امنیت اجتماعی برای خود و فرزندان	
۰/۴۸	وجود جمعیت زیاد در مناطق حاشیه‌نشین	
۰/۸۳	نارضایتی حاشیه‌نشینان از محل زندگیشان	چالش زیستی منطقه
۰/۶۰	سیمای نامطلوب و وضعیت بد مسکن	
۰/۸۸	مشکل مالی و کمبود درآمد	چالش اقتصادی
۰/۸۷	بیکاری و نداشتن شغل دائم	
۰/۷۳	نارسایی عرضه خدمات درمانی از طرف مسئولین	چالش آموزشی- بهداشتی
۰/۵۴	وجود بیماری‌های واگیردار	
۰/۵۴	فقدان امکانات آموزشی در این مناطق	
۰/۵۲	پایین بودن سطح سواد و تحصیلات در مناطق حاشیه‌نشین	
۰/۴۲	پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی	چالش رفاهی و بی‌توجهی مسئولین
۰/۷۸	کمبود امکانات رفاهی، تفریحی برای فرزندان	
۰/۲۶	عدم رسیدگی شهرداری‌ها به این مناطق	



شکل ۶ دسته‌بندی چالش‌های عمده حاشیه‌نشینی

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج و یافته‌های تحقیق، حاشیه‌نشینان در منطقه کوه‌دشت دارای ویژگی‌های فردی و اجتماعی خاصی هستند که نشان از وضعیت نامناسب زندگی آن‌ها دارد. اکثریت آن‌ها از وضعیت مالی خوبی برخوردار نبوده و بیکار یا شاغل موقت بودند در حالی که بیش از ۵ نفر را تحت تکفل خود داشتند. این یافته‌ها با نتایج مطالعات پیشین ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۳) و اسداللهی و ناطق‌پور (۱۳۸۵) نیز مطابقت داشت و در این مطالعات نیز به بالا بودن بعد خانوار و بار تکفل در بین خانوار حاشیه‌نشین اشاره شده بود. این وضعیت مالی نامناسب سبب شده که اکثریت آن‌ها در خانه پدری یا ملک استیجاری زندگی کنند و به دلیل نبود شغل مناسب اکثر جوانان وارد حرفه‌های نامناسب و غیرقانونی مانند قاچاق شوند که زمینه را برای اعتیاد آن‌ها فراهم می‌آورد. از سوی دیگر سطح سواد و تحصیلات آن‌ها بسیار پایین است که این یافته نیز با توجه به مطالعات قبلی زندگی‌آبادی و همکاران (۱۳۸۵)، اسداللهی و ناطق‌پور (۱۳۸۵)، تأیید می‌شود. نتایج اولویت‌بندی چالش‌های حاشیه‌نشینان نیز نشان می‌دهد که حاشیه‌نشینان علاوه بر مشکل مالی و کمبود درآمد با سیستم نامناسب فاضلاب و بهداشتی روبرو هستند و با تمام این مشکلات، کم توجهی مسئولین نیز زمینه استمرار و گسترش بسیاری از چالش‌های اجتماعی و فرهنگی مانند اعتیاد جوانان، فقدان امنیت اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین، گسترش بی‌رویه جمعیت را در پی خواهد داشت. شود. از این‌رو لزوم توجه مسئولین به این مناطق و کنترل بهداشت و آموزش در این مناطق و ایجاد اشتغال برای آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. طبق نتایج تحلیل عاملی، چالش‌های حاشیه‌نشینان در پنج عامل یا چالش کلی قابل دسته‌بندی است که این عوامل به ترتیب اهمیت شامل چالش‌های اجتماعی- فرهنگی، چالش‌های زیستی منطقه، چالش‌های اقتصادی، چالش‌های آموزشی - بهداشتی و چالش‌های رفاهی می‌باشد. در این میان، چالش‌های اجتماعی- فرهنگی به عنوان مهم‌ترین چالش پیش روی خانوار حاشیه‌نشین شهرستان کوه‌دشت مطرح است که این یافته با نتایج محمودی (۱۳۸۶) نیز مطابقت دارد. محمودی نیز در مطالعه خویش، چالش‌های اجتماعی- فرهنگی را از مهم‌ترین چالش‌های حاشیه‌نشینان در ایران می‌داند. این عامل به تنهایی حدود ۲۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند تا اهمیت خود را به عنوان یک چالش اساسی مطرح کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا به این عامل به عنوان یک چالش اساسی توجه لازم مبذول شود. چالش‌های زیستی منطقه که شامل سیمای نامطلوب محیط زندگی حاشیه‌نشینان می‌شود، به عنوان چالش مهم بعدی قابل طرح است. آنان از وضعیت زندگی خود ناراضی بوده و این موضوع را یک چالش اساسی برای خود می‌دانند. البته اثرات این چالش مختص حاشیه‌نشینان نمی‌شود و مضرات آن می‌تواند دامن گیر افراد درون شهر نیز شود. نقدی (۱۳۸۲) نیز در مطالعات خویش به این عامل اشاره کرده و آن‌را از چالش‌های اساسی برشمرده است که لزوم توجه به اهمیت آن را گوشزد می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود به این عامل مهم به‌خصوص از سوی شهرداری‌های منطقه توجه شود. اما یک چالش اساسی که شاید به نوعی تمامی چالش‌های دیگر در ارتباط می‌باشد، چالش‌های اقتصادی است که شامل بیکاری و مشاغل کاذب و درآمد ناکافی آنان می‌شود که این عامل نیز از سوی حاشیه‌نشینان به عنوان یک چالش اساسی و بنیادی مطرح شده است. این چالش به‌خصوص در بین جوانان حاشیه‌نشین بیشتر مطرح بوده و اکثریت آن‌ها از مشکل بیکاری و عدم اشتغال و درآمد رنج می‌برند که البته این چالش در اکثر مطالعات پیشین

نیز به عنوان چالش مهم پیش‌روی حاشیه‌نشینان مطرح است. به‌طور مثال مطالعات نقدی و صادقی (۱۳۸۵)، نقدی (۱۳۸۵) و زنگی‌آبادی و همکاران (۱۳۸۴) نیز این موضوع را تأیید می‌کنند. لذا پیشنهاد می‌شود که مسئولین ذیربط، زمینه‌های ایجاد اشتغال سالم را برای جوانان حاشیه‌نشین مخصوصاً فراهم کرده و آنان را در امر تأمین مخارج زندگی‌شان کمک کنند. به‌دنبال نتایج قبل، چهارمین چالش اساسی از دیدگاه حاشیه‌نشینان مربوط به چالش‌های آموزشی-بهداشتی بود که شامل پایین بودن سطح سواد و بهداشت می‌شود. این عامل نیز در صورت بی‌توجهی می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری را هم برای اهالی حاشیه‌نشین و هم برای افراد درون شهر در پی داشته باشد و باعث شیوع بیماری‌های واگیردار شود. لوئیز و همکاران (۲۰۰۳) نیز در مطالعات خویش به پایین بودن سطح خدمات بهداشتی در مناطق حاشیه‌نشین اشاره کرده‌اند که نتایج مطالعه حاضر آن را مورد تأیید قرار می‌دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا مسئولین با برگزاری کلاس‌های آموزشی رسمی و غیررسمی برای خانوار حاشیه‌نشین، سطح سواد آن‌ها را بالا برده و با نظارت و کنترل دقیق وضعیت بهداشتی این مناطق، از روند مناسب امور بهداشتی اطمینان حاصل کنند. چالش‌های رفاهی آخرین موردی است که شامل کمبود امکانات رفاهی برای فرزندان خانواده‌های حاشیه‌نشین می‌شود و این چالش‌ها نیز باید مورد توجه مسئولین قرار گیرد تا با پر کردن اوقات فراغت و فراهم نمودن امکانات رفاهی، از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی در بین جوانان جلوگیری شود. به‌طور کلی پیشنهاد می‌شود تا به این پنج چالش اساسی به ترتیب اهمیت از سوی مسئولین امر توجه کافی و لازم شود تا چالش‌های حاشیه‌نشینان به حداقل میزان خود برسد و به همین منوال چالش‌هایی که گریبان‌گیر افراد درون شهر و غیر حاشیه‌نشین است کاهش پیدا کند زیرا چالش‌های حاشیه‌نشینان با چالش‌های افراد درون شهر با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و فرامرز بریمانی و یوسف نصیری، ۱۳۸۳، حاشیه‌نشینی: ناهنجاری‌های شهری و راه‌کارهای تعدیل آن موردشناسی؛ کریم‌آباد زاهدان، دوفصل‌نامه جغرافیا و توسعه، شماره ۳، ص ۱۲۱.
- اسداللهی، عبدالرحیم و محمدجواد ناطق‌پور، ۱۳۸۵، بررسی ساختار اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین شهر ایلام، اخذ شده از سایت جامعه‌شناسی ایران : <http://sociologyofiran.com/index.php>
- حسین‌زاده دلیر، کریم، ۱۳۷۰، حاشیه‌نشینی: در جستجوی معنی و مفهوم؛ اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۴۶-۴۵.
- زاهد زاهدانی، سعید، ۱۳۶۹، حاشیه‌نشینی. چاپ اول انتشارات دانشگاه شیراز.
- زنگی‌آبادی، علی و اصغر ضرابی و سعید خوب‌آیند، ۱۳۸۴، تحلیل علل اقتصادی - اجتماعی حاشیه‌نشینی شهر اصفهان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد هجدهم، شماره ۱، ص ۱۷۹.
- صرافی‌زاده، مظفر، ۱۳۸۱، به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی. فصل‌نامه هفت شهر. انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری. شماره ۸.
- فریدمن، جان و مایک داگلاس، ۱۳۶۳، توسعه روستا- شهری، ترجمه عزیزکیاوند، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.

- قرخلو، مهدی و عبدالنبی شریفی، ۱۳۸۴، پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی حاشیه‌نشینی (مطالعه موردی: محله عین ۲ اهواز)، فصل‌نامه علمی پژوهشی پژوهش‌های جغرافیایی، سال چهارم، شماره ۵۰.
- محمودی، ستار، ۱۳۸۶، آب و حاشیه‌نشینی شهری، اخذشده از سایت <http://www.aftab.ir/articles/social/urban/>
- نقدی، اسدا...، ۱۳۸۲، درآمدی بر جامعه‌شناسی شهری، انسان و شهر، همدان: انتشارات فن‌آوران
- نقدی، اسدا...، و رسول صادقی، ۱۳۸۵، اشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری (با تأکید بر شهر همدان) فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰.
- هادی‌زاده، مریم، ۱۳۸۳، حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، شهرداری مشهد.
- هاروی، دیوید، ۱۳۷۰، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

- Halfacree, Keith, 2001, Constructing the Objects: Taxonomic Practices, Counter-Urbanization and Positioning Marginal Rural Settlement. Department of Geography, University of Wales Swansea, Singleton Park, Swansea, Sa20 DA. UK.
- Lues, J.F.R., P. Venter and H. van der Westhuizen, 2003, Enumeration of potential microbiological hazards in milk from a marginal urban settlement in central South Africa, Food Microbiology. No.20. p 321-326.
- Mumtaz Babar, 2001, Why cities need slums. Habitat Debate, Vol.7, No. 3. p15.
- Peattie, Lisa and Jose A. aldrete Haas, 1981, Marginal Settlement in Developing countries, Annual Review of Sociology. Vol.7. P.157-175
- Young, I. M., 2000, five faces of oppression. In M. Adams, (Ed.), Readings for Diversity and Social Justice (pp. 35-49). New York: Rutledge.